آینده ی جهان و فرجام ادیان از منظر ناراستی های موجود در نظریه ی پلورالیسم دینی

سید محمد رضوی

چکیده

دین حقیقتی واحد و غیر متکر می باشد و بر خلاف آنچه که پلورالیسم های متکرپذیرگا ادعا کرده اند، در تمام دوران پر فراز و نسب غیر انسانی، یکی بیشتر انسان هست. این دین هرچند نام های متافاوتی به خود گرفته، اما خواستگاه تعالیم همه ی انسانی قرار داشته است که در شکل عام آن همان اسلام است. البته حقیقت دین ثابت و اما شرایط متغیر و نامناسب بوده اند. این دین و این حقیقت واقع در واسطین سال های عمر پیامبر به نتیجه از همه ی انسانی و البته به طور عمومی، تنها به پیامبر و مسیح سواستی و نماینده خداوند بوده و همین دین است که در آخرالزمان مزرعه زمان و مکان را در خواهد نوردید و به دست توانا و با کفایت مصلح و منجی همه ی دوستان به مردم معرفی شده و دین اسلام جهانی خواهد شد.

کلید واژه ها: دین، شریعت، اسلام، جان هیک، پلورالیسم، منجی

DsmRazavi@yahoo.com

1- استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، گروه علوم قرآن و حديث
1. مسئله

وجود ادیان و مبوعت گشته‌ای نباید و یکی از شماره که در طی ادوار و زمان‌های گوناگون، این اتفاق را شاهد واقعیت در خور تامل و حقيقة‌ای نکننده‌ای است.

آنچه که در این میان بحث برانگیز و سوال‌های می‌باشد، گویاست که فلسفه‌ی وجود‌ای این ادیان، و به ویژه ادیان توحیدی و وحیان آن‌ها تحقیق یک هدف واحده بوده است و یا آن‌ها هر یک از آنها در پیش بین وجود هدف، هدفی مشابه از اهداف دینی دیگر را نسبت کردند و اگر ثابت شود که از آن در خانم هدف تمام ادیان و رسالت‌های بیش نبوده است، به دنبال آن این سوال مطرح خواهد شد که چرا از همان آگاهی‌های رو به آمدن ویژه آدمی بر عرضه خفاش می‌تواند، فقط یک دین واحده خواستگاه آن تحقیق یک هدف واحده است بر خلاف عرضه نشد؟ چرا با یک دین که همان اسلام است، خود را به شیرت تمام‌اند؟ یا به دیگر سخن، این نقد و نکته را چگونه باشد توجه نمود؟ آیا این نکته و نتیجه در پی خود و حالت آفرینی می‌باشد و یا اختلاف براترکی؟

حق آن است که این وحدت که زایده ی آن نکته و نتیجه می‌باشد، حقيقة‌ای است که نیک توان آن را نادیده اگر نشان کنیم، اما در ذهن حال این حقيقة، واقعیت تحقیق ناپایه و جامعه ی عینیت را تنهایی است که باز آمده است. این حقیقت عینیت ناپایه، همان است که در کل خیال متناقل با عنوان «این حقیقت» از آن سخن به میان آمده است:

«او روز روز سربه سربه و دین آنها لب لبی حکم، پراخه قواه، که و لو گرفت که بر اثره ناپایه» (التوبه، 33) اوست که رسول خود را با هدایت و در حقیقت، حقیقتی که امید، فرمان‌های بی‌دری بر برون چرا از پرندگان جهان‌ها را فراهم خواهد کرد و به تمام‌امیال و آرزوهای مقاوم، یا کاک همان انسانی راه‌یافته و تعالی گرا جامعه عقل خواهید بر پوشاند از همان پایان خوش عالم است که باز آمده است.

2. هندسه‌ی عالم و نظام حاکم بر کانات

هنده‌ی عالم و جغرافیایی ی می‌باشد، بر اتصال خشونت‌های ناپایدار و غیرقابل انکار، با گشته‌ای است. اصلی‌ی که دعوت همه‌ی ابیان در راستای تنبین آن، عنا و مفهوم راستین خود را باید می‌باشد. و فلسفه‌ی خلق و هدف از آفرینی و بود گشته‌ای نبوده، ها به واقع در ارتباط و پیونده بانک‌هایی با این اتصال لغو قرار ندارد.

اساساً پاسخ به این سوال که چرا خداوند خلق را آغاز کرد و از این پدیدار ساختن اشياء و شکل دادن به نظام کانات‌های هدف و مقصودی را دنبال کرد است؟ می‌تواند ما را در درک عمیق تر و دریافت هر چه‌کارآمدتر از فلسفه‌ی ارسال رسول یاری برساند.

آنچه از مجموع معنی‌های قرآنی و استادی و مدارک موجود استفاده می‌شود، آن است که گزاره‌هایی هاچون هدایت و اطاعت و تسلیم و معروف و شناختی که از آن تحت عنوان "معرفة الله" یاد می‌شود؛ از جمله مهم‌ترین ارکان مفهومی ی
ارسال رسل و بعثت انبياء را تشکیل می‌دهد. انبیاء موعوث گشتند اند تا با اطاعت و فرامن به‌دیگر از دستوراتشان، نه ایشان بی‌خداوند، اطاعت شود. اطاعی که ممبیت و همراه معرفت، ره به مقصود نخواهد برده و هدف عالی از خلق‌ت، تأمین نخواهد گشت. از این روش که در آموزه‌های معصومین و در تفسیر مفهوم عدالت که در آینهٔ شریف یا وص‌اللهٔ آل‌امام‌الrahimahullaahu_alayhim_ve_arhamahu (الذاريات، ۴۵) بر آن تأکید شده، به مفهوم معرفت و شناخت حق تعالی اشاره شده است: (شريف‌الله، لاهيجی، ۲۶۹)

بااین که ساختر هستی و تشکیل می‌گردد، معرفت هایی جوین، اعتراف به خدا برای یگانه و اطاعت و معرفت باور به روز و پسین و پاداش و کیفر از اصول بنیادن آفرینش به حساب آمده است.

۳-۱ ارسال رسل و میثاق انبياء

ارسال رسل و موعوث گشتند انبياء بر اساس عهد، و پیمانی است که خداوند از ایشان گرفته است. قرآن کریم از این پیمان با عنوان میثاق خلیفه باید کرده است. میثاقی محکم و با پذیرش تمام شرط‌های آن و جان خان و برنامه‌های در راه تعالی و نجات آن؛ ایشان از این میثاق خلقیستند (الاخرات، ۷) و (باید کن) هنگامی را که از پیامران پیمان گرفتن، از تو از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر می‌می‌و از (همه‌ی) آنان پیمان محکم و استوار گرفتن ("))

و به دنبال آن می فرماید: "یکسان صادقین علیهم سِرُ و آبَ، نقل کافیرین عدالتاً آیتی" (الاخرات، ۸): (خدا، راستگیران را از صدایشان سوال کند و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.")

یعنی بر توجه به این میثاق الهی که به دنبال آن ناکامگر گشته و عقیم ماندند دعوت انبیاء و پیام رسانی آنها را سپر خواهد گشت؛ مرز میان راستی و ناراستی و کفر و ایمان بندگان را مشخص خواهد کرد. و این در حالتی است که جهنم خلقی در سطح کلان آن و نظامی با شعور هستی که با تدبیر الهی، آن به آن، نقش آفرینی می‌کند: بهتر از هر کس دیگر به این امر واکف است که این مسلمین خطر نبوت و ابلاغ رسانی را با ŏ چ افرادی و اگذار نماید: "اذکر فضل الله به‌ویژه‌من یَثِبَتَ (الجمعه، ۴): (رسالت) فضل خداوند است. آن‌ها به هر که بخواهد عطا می‌کند. (طبلایی، ۱۸۶ ۲۲۷ و ۲۷۲)

۳-۲ دین خاتم، بشارت همهٔ انبياء

در عین حال که باید به همهٔ انبیاء الهی و پیام رسانی آنها، اعتقاد داشت و نباید میان ایشان و راه و مراسمی جدایی افکند؛ اما از این نکته نیز نباید غفلت بود که انبیاء عظیم الهی، همانطور که ابلاغ گران و پیام رسانی شایسته از سویی خداوندی و فرستاده شده، به سوی خلیفه بوده‌اند. در همان حال جملگی بشارت به دین خاتم و ظهور پیامبر خمیسی مربوط و آمده‌ای نویسی، بر حق ایشان را داده‌اند. و البته حقایق این گفتار از نص صریح برخی از آیات و روايات واضح و آشکار می‌شود. برای مثال این عیسی مسیح است که به گفتگه قرآن، اینگونه به آمدن پیامبر بعد از خود، بشارت داده است.

---

۱- نکته: (الزیدی، ۵۹) (الزیدی، ۵۹) (الزیدی، ۵۹) (الزیدی، ۵۹)

۲- لَا فَوْقَ مِنْ اُحْدَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ (الزیدی، ۶۰) (الزیدی، ۶۰) (الزیدی، ۶۰) (الزیدی، ۶۰)
و ادعا عیسی ابن مریم یا عیسی اسیرالله را بررسی کرد و النهایه ناپذیر است که هرورشاد یا عیسی تفکیک می‌کند و به رسول که پس از من آید و نامش احمد است پیشرفت می‌دهم.

و نیز اوصاف "محمد" و ایمان آوردن گاه به وی در تورات و انگل - و به فرامیش قران - چنین گزارش شده است:

محمد (ص) فرشته‌ای خداوند، و کسی که ایمان ندارد، بر کافران سخت گیر (و) با هدیگر مهربانند. همواره آنها را در رکوع و سجود می‌پیوند که فضل خشونت خدا را جویند. نشانه‌ی (ایمان) آنها اثر سنجیده ای است که در جهان هایشان است. این وصف اینان در تورات و انگل می‌باشد. (الفتح) (۴۹)، البته ابن بابور و اعتقاد پروانه ایان به پیام خاتم و به تأمین از اتباع خود - که باید محقق شود - باشد به اتکار اتباع بیشین مانند گردد.

به دیگر سخن، بر پیروان راستین و راست کردار اتباع گذشته، فرض و واجب است که ضمن ارج نهادن به تمام جان فشانی آنها و سختی‌ها و ناملایم‌ها که پیامبر آنها در راه اخلاق داده، متخلص گذشته‌اند؛ به نک ایمان داشته و زحمات هیچ یک از آنها را نا دیده به حساب نیاورند. از این روست که در آموزه‌های معمولاً (ع) به این نکته ی اساسی اشاره شده که اگر کسی برای مثال یکی از اتباع همگون عیسی را، انگار کنند؛ گویی تمام اتباع را انگار کرده است: و اعلام او به لوانتک رجل عیسی ابن مریم و آفرین سواد را از رسول لم بیان می‌کند. (شقوق) دیگر رسول اعظمه می‌باشد: (به کسی حمید که به خدای متعال) ایمان نیازورده است. (کلیتی، ۴۴۸)

و مؤید بن گفتن نص صریح قران است که می‌فرماید: "لا مُطَّرَقَ سِوْلَةٌ قَبْلَ مِنيَا" (البقّر، ۸۵).

بنابر این خواسته‌های تعریف تمام ادیان و عیاقب و توحیدی، فراهم ساخته بسته‌اند، جهت ظهور دین خاتم و آمد حضرت ختی مرتبت بوده است که با آمدن زمینه ظهور و بروز دین حق - که همان پذیرش ولایت مطلقه او اولیاء و اوصیاء الهی و به ویژه امور مؤمنان می‌باشد. (حسنی، ۳۸۲/۶) - را فراهم خواهد کرد. و این موضوع گیری نسبت به معنی وی اخدا در واقعی غیور، نه بالاترین رسالت پیامبر، بلکه بالاترین رسالت تمام اتباع الهی در طول عصره‌ها و روزگاران مشتاقان بوده است که از زبان آن حضرت و به نمایی از همه ی پیامبران بیان شده است. هرچند دین در واقعی غیرد بر معرفی ولی خدا به کمال رسیده، اما جراید سیاسی به وقوع پیوست پس از رسول خدا جلوی رشد و نمایید دین به کمال رسانده شده توسط ایشان را گرفته و مردم در مسیر دین مداری با مشکلات فراوانی روبور شدند.

این مشکلات و مصائب همچنین ادامه پیدا نمی‌کنند که آن آزن و عهد داده شده که دروغی در آن نیست فراورد و منجی و نجات بخش همه ی زمینه دیده‌گان تمام دوران ظهور کند. همکه فجر صادق است. (بیهاری، ۲۷۶) و حقيقة و العنصر (صدد، ۵/۶۵) و صبح قریب است (عائشی، ۱۳۵) که غرب‌بانه پیروانش آن را انتظار می‌کشند. همکه به آن فرستاده شده است. قران به وی این وصیت نکرده. ۱

1- براهی مطالعه بیشتر در این زمینه نکته: کتاب استحقاق‌های علامه عسگری.
تمام ایمیل و آوردهای انتهایی پیشین جامعه عمل‌حاده‌ها و در زمان وی دین حق معنی و مفهوم را راستین خود را باز خواهد یافت. اما پیش از آن‌ها توضیحاتی در خور از دین ارائه دهید. به نظر می‌رسد که اگر نیاز به اعضا ان‌پروپوزال‌های تک‌گراپی ۱ داشته باشیم که برای وحدت قانون ایمان و اثبات آن، شیوه‌ای منتفاوت از آن‌های که بیان کرده‌ایم، اتخاذ نموده‌اند.

۱- جان هیک طراح نظریه‌ی تک‌گراپی دینی

جان هیک میلس دین و طرح نظریه‌نور و تک‌گراپی دینی و یا حمایت پروپوزال دینی می‌باشد. او یک میلس متبع به بر‌گیری است که به سال ۱۷۲۲ در انگلستان میلاد شد. تحقیقات ابتدا برای خود را در کلیسای مقصود "آن‌پروپوزال" خواهد گرفت. ابتدا برای تک‌گراپی به دست‌ریخته‌ایانی به دانشگاه‌های رفت و بپس از گذشتن مدیتی از خدمت سری‌بازی برای تک‌گراپی خواهد گرفت. پس از آن در دانشگاه "آن‌پروپوزال" دکترای افتخاری گرفت. وی در آن‌پروپوزال از رسانه‌های دین به موضوع دنوی چارچوب‌ی برای معرفت دینی و تحت عنوان "نیزت بین ایمان و اعتقاد" در سال ۱۹۵۰ دفاع نمود و آن را در سال ۱۹۵۷ با عنوان "ایمان و معرفت متنوی" منتشر کرد. وی سپس به دانشگاه تفرد و سمت استادیه‌ایانه‌ایان دانشگاه را پذیرفت. در این دوران بود که فعالیت های علمی، اجتماعی و سیاسی او به طور جدی در راستای ایجاد نزدیکی بین پیروان دین مختلف در قالب تشکیل مراکز مرمی و تأثیر کنب تأثیر گذار در این جوی آغاز شد. به اعتقاد او نظریه‌ی تک‌گراپی دینی به شکل‌گیری اگهی جهانی و پیروستگی فکری‌گیر آگاهی‌های گسترش یک دانش ادیان و درک نسبتاً یکسان اقایوم و بیشتر به مثال، کلیک مکتبر، فراگیر و ارتباط فراهنگی‌ی ادیان و فرهنگی‌ها با گفتگو در آمدند کاربران ادیان مختلف خواهد انجامید. (عزیزی،۲)

۲- انحصار گروپی و شمول گروپی، پیش در آمدید بر طرح نظریه پروپوزال دینی

از جمله آموزه‌های نجات در کلاغ، مسیحی و پیش از طرح نظریه پروپوزال دینی آن بود که تنها یک‌اکثر فرمان‌نامه خواهد داشت و از هر قهر و غرب الی به دین‌دان جنبا خواهد کرد که به روبیت و مرگ فذهر وار مسیحی ایمان آورند. بنابراین ایمان نا آوردن‌گان با دین آموزه از ورود به پیش‌تر و جامعیت به معادین‌فندان مع خواندن‌شان. (حسین زاده،۱۱۱)

در مقابل آن دیگر نوع تک‌گراپی مطرح گشت. شمول گروپی بر این بود که پیروان در سکای و صلاح دیگر ایان هم رستگار خواندن‌شد. چرا که آن‌ها نیز هر چند خود نمی‌دانند، اما به واقع مسیحی هستند. به عبارت دیگر شمول گروپان درب بهشت را کمی پاک‌تر کردند و کسانی که بر اساس ضوابط مسیحی عمل می‌کردند؛ هرچند مسیحی نبودند را نیز بهشت به حساب آورندند و به اصطلاح آن‌ها را مسیحیان گفتند. البته به حقاقان طفیل دنی اعتساق و حقاقان نسباً سایر ایان حکم می‌کردند (خروش،۱۶۴)

جان هیک مثلاً متکلم و میلس فلسفی پروپوزال به این مقدار هم اکتفا نکرد و آن را نیز تک‌گراپی نظریه‌ای به حساب آوررد. وی اظهار کرد که هرکس با هر عقیده‌ای می‌تواند به پیش‌تر راه یابد؛ به این شرط که از طریق‌یکی از ایان به حقیقی ناماید و از توجه
به خود منصرف گردید. (نبعان، 15) درواقع این دیدگاه برای گشودن درب بهشت بر روی پیروران دیگر ادیان، مرز میان حق و باطل، ثبات و تثلث و توحید و شرک را برداشت.

البته اعتقاد به این تنها گرداینده ای ریشه ای درنیمه وارد می‌توان شبیه به این باور را در تفکرات و آراء و اندیشه‌های "ابن عربی" نیز جستجو نمود. این صوفی نام آشنا که تفکرات عرفانی تاثیرات شگری را در تصویف مشرق زمین از خود بر جای گذاشته است، بر این باور است که ادیان و مذاهب یکسانند و صوفی پیشه هیچگاه نیاز به این توجه کننده انسان بهره‌مند است و یا صورت عبادات او چگونه باشد؟ 

از این روست که یک دوی‌نشاب ها، فراوان چنین ظهور داشته است: "میادا که نه به گورنده ای خاص پایین بوده و عقاید دیگران را گرفت بدنی! که در این صورت زیان خواهی کرد. بلکه علم و حقیقت مساله را از دست خواهی داد. بنابر این باتل خود را به گونه وی پرورشد تا ترکیب اسم انتظاری از دیگر سویه تکامل برتر و والتر از آن است که در انتشار عقایده‌ی خاصی در آیه، زیرا خود می‌فرماید: "قائن بنا تو عقیدت ی از وونه! برنا، (الفره، 115)

پس تو را روشن گسته که خداوند گاه هر روزی کردی است و منظور از این سخن، جز عقاید گوناگون نمی‌باشد. پس همه بر صواب و هر که بر صواب باشد به پاداش خود خواهد رسید و هر که پاداش یابد، سعادت مند و خوشبخت خواهد شد. (ابن عربی، فصول الحكم، 13) و در گذای دیگر چنین می‌نویسد: هر یادی ی که برایان ی پروردگار خویش، اعتقادی خاص یافته است و آن را به انتقال ی ذوق و نظر خویش دریافت نموده و از آن روز اعتقاد درباره ی خداوند به مانند خود خداوند مختلف و گوناگون است. ولی همه ی این اعتقادات صورت‌های از یک اعتقاد است و آن اعتقاد به خداوند. (هبان، 93)

و آنها در کتاب تنگمان الاتهو و در قالب همین که از این اعتقاد چنین پرده بر می‌دارد: 
عقد الخلائقی فی الاله عقائداً وناعتاقدت جامع ما اعتقادر
(ابن عربی، ترجمان الاتهو، 194)
مردم نسبت به خدا اعتقادات گوناگونی دارند و از نیز به تمام آن‌جه که آنها اعتقادات دارند به یابندم.

این ابیات معروف هم از اوست:
لقد صار قلبلا کل صورة
فمنعی لغزلال و دورهربان
و الساح توراه و صحف لقرآن
و بیست لارشان و کچه طائف
رکابه فاحیب دینی و ایمانی
امین بدين الحبت آنی توجهت
دلم چنان شده که هر صورتی را پذیرا است. چراگاه غزلان و دیر ترسیان شد و خانه‌ی بنتها و کچه ی طواف گران و
الواح تورات و برگنگای فران.

من سر سبرده ی عشقم، هر کچا چه کاروان با شکوهش رو کن. پس دین و ایمان من عشق است. (هبان، 44)
بر وضح است که این سخنان بیشتر شبیه به خیال بافی‌های شاعرانه و شطح‌های اصولی‌ها مانند نا واقعیت‌های قابل طرح و بررسی! آباعویر آن‌گاه ای اراده‌های مینابی نیز در آن به جشم می‌خورید. برای مثال چگونه می‌توان آن‌ها مسیحیت معتقد به تئیبدا را که در قرن از صحرای مورد قرار گرفته و حتی معتقدان به آن کافی معرفی شده‌اند (المانه، ۴۳) ۲ دین اسلام یکسان و برابر بر شمرد؟ در حالی که مقصد آن مسیحیت کنونی شکل آلو و مقصد اسلام توحید است.

با اید خاطره نشان کرد که این نسخه ی دو دهین تهیه شده از پذیرش همه ایدان که توسط جان هیک مطرح گشته؛ به واقع از نگاه خاصی یا به مفهوم انسان و حقیقت‌نماه می‌گردد که حمیلیک به آن خواهیم برداخت.

و البته قبل از طرح آن یک خاطره‌نامه کرد که تفسیر دومی از پولیسیسم دینی مطرح است. این دیدگاه معتقد است که افراد ایدان مختلف می‌توانند در کنار هم زندگی سالم و رضایت حقوق شهرنده، به اعضاي بیدار نیز احترام گذاشته‌اند (گلابی‌گانی، ۲۲) این متألق از پلولیسیسم قطع مورد پذیرش می‌باشد. اموزه‌های دینی ما نیز بر مستر آن صحبت می‌گردند!

۴- انسان و حقیقت از دیدگاه جان هیک

به اعتقاد جان هیک انسان موجودی جزئی و محصور در حصار فردیت خود تعیین می‌شود. و دانه‌ی شناختی از کمال محدود به شرایط فردی و می‌باشد. در نتیجه، وی حقیقت‌نما را در این انسان قابل طرح وی‌که می‌باید، این محدودیت می‌داند. و این نگرش انسان جزدا شده‌ای از کل است و توانایی انسان بر حواس و عقل است که خود مفید و محدودیت می‌باشد. بنابراین انسان صرف قادیر به درک جزئی از حقیقت و یا حقیقت جزئی است (عزیزی، ۲)

در این بار حقیقت در مفهوم حقیقت‌نما، از ترس وجود کم و ارکان انسانی خارج است. و هیچ انسانی حتی انسان وی چنین بناگذاران دینی می‌توانند حقیقت‌نما را تعیین و یا تجربه کنند. به اعتقاد هیک بناگذاری یک دین صرف تجربه‌ای محدود خود را از این حقیقت‌نماه ی که متفاوت با تجربه ی بنیان گذاشته‌است و هیچ یک از این تجریبات مطلوب بر حقیقت‌نماه را نیست. و در نتیجه نمی‌توانند جامع باشند. زیرا هر دو اینکه یا قطعه از حقیقت است و این قطعات در کنار هم به سبب تعارض خود‌فهیمی کامل تا حقیقت‌نما را سازند. این آن‌ها هیچ گاه به حقیقت کامل نائل نمی‌شوند. بنابراین این دیدگاه به حقیقت نثبت و مطلق جهان شمول واقف‌نماه نمی‌شود (همان، ۳۶)

در واقع تفکرات جان هیک بر پایه شکاکیت و نسبی‌انگاری نسبت به مفهوم حقیقت‌نما بنا گشته است. و پذیرش چنین دیدگاهی به اطلاع دین کامل خواهند انجامید. زیرا آن صورت دین حاصل تجربه دینی و شخصیت ندی و نه وحی الهی خواهد بود. به‌دیگر سخن‌دی در عبارت خواه‌بود از تجربه ی بایره از تجربه خداوند. و هر پیامبری هم این تجربه را به نحوی تجربه کرده است. لذا همه ی این تجربه‌هایی در حد خود قابل اعتنا می‌باشد. و هچم باوان بارا از این نیز فراتر گذاشته و معتقد به سبط تجربه ی نبی شد و عارفان و صاحب گزیده و اهل طریقت را نیز در این تجربه شرکت گردند.
5- نسخ شرایط و نهادیان

هر چند عده‌ای در نقد پلورالیسم دینی مستحلی نسخ ادیان را مطرح کرده‌اند (مطهری، ۲۸۹) اما به نظر می‌رسد آن‌چه در اینجا نسخ گشته‌است، این حکم‌دان بی‌شروع، با استاد که در عصر انباهای یکی پس از دیگری به دنبال هم آمده، اندنبی برای از همان ابتدا تشکیل، دین یکی بیش نبوده است اما در دوره‌ای از تاریخ انباه، خودن را در سطحی کامل تر و رشد یافته و با احکامی تازه و خود ساخته تر نمایان کرده است.

قرآن کریم در این رابطه چنین می‌گوید:

۱- "شراع نکم‌ممن‌دخیان ما و سُمی به‌نواحی و‌الذی اوْحیانی اِلیکَ۱۲ وَ می‌می‌یا اِیره‌همَ وَ مومْسی و عیسیِّان اَقیمْوا الْدِّينِ۱۳ وَ لَا تَفْرَقْ فِی۲۱۲۲ اِلاحی۲۱۲۳.

۲- "الشوری، ۱۳۲۳) به‌شما [مسلمانان] از دین همان را تشریع کرده که به‌نوه توسعه کرده بود و آن‌چه به‌نوه‌ی تجربه نبوده. کرده و آن‌چه به‌پیامه و موسی و عیسی توسعه نمودیدم که دین‌را ب‌پای دارد و در آن ترقبه نکنید.

اًساسا حفاظیه قرنی یکپارستی و اعتقاد به انباه، و روز و این از جمله امر نسبی نباید باشد. به‌گذین سخن‌هندسه‌ی عالم خلاق و جغرافیایی همستی بر پایه‌ی همین اعتقادات بنیان گذارده شده است. آدمی خلق گشته است نَنا او به‌پیامه‌ی یگانگی شناخته و عیادت شود و این یگانگی و یکتا بردن خلاق، وجوش مشترک دوخته همه ی انباه است که نسب ناباید باشد. بنابراین اصول کلی حاکم بر دوخت انباه از آغاز تا ختم نبوده یکی بیش نبوده است. اما در شکل اجرا و به‌خاطر احکامی تازه و سلسل مختلط، شکلی نازه بی‌پای نموده است.

در مقابل چنانگر گفته شد به‌روشی با آمده‌ای دینی خانم این‌دست گذشته‌پای فرشته‌اند. شهید مطهری در این رابطه چنین می‌نویسد: "البته این مستقل در اسلام از دیرباز مطرح بوده و هم اینک نیز میان طبقات مختلف از جاهل و عاقل و بی‌سواد و تحلیل کرده مطرح است که آیا کارهای خیر افراد مسلمان مقبول است یا خیر؟ آگر مقبول است پس چه فرقی می‌کند که انسان مسلمان باشد یا نباشند؟ (مطهری، ۲۸۹)

این اختلاف دیدگاهی از آخر ناشی می‌شود که به اعتقاد ایشان دین حق در هر زمان یکی بیش نبوده و بر همه لازم است که به آن پیوستند. اما آنچه به حفاظیه نزدیک تر است آن است که دین حق نه در هر زمان بلکه در تمام زمان‌ها یکی بیش نبوده است. اما یک جنبه این دین حق به تمامیت آن و به کمال رسیدن و هم اندازه‌گیری که در ابتدای مقاله به عرض رسد – حقيقی است به وقوع نا منسوخ که آمدها را با این انتظار کشیده که عن قرب به آن خواهیم برداخت.

به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال که آیا ادیان منسوخ گشته اند یا خیر؟ در گروه لحاظ کردن تفاؤل میان دین و شریعت باشد.

دین امری ثابت (الشوری، ۱۳۲۳) و اما شرایط ۱۳۲۳ خیلی تغییر نمی‌دهد. دین که همان اسلام و به معنای عام، همان تسلیم گشته است؛ در تمام شرایط ثابت است: "این‌الذین عَمِّهَ عِلْمَ اللّهِ ؛َ الاَلسَّلَامَ (العمران، ۱۹) یعنی روح تمام شریعت های توحیدی، همان توحید در

1- شریعت اخوس از دین است و دین در مفهوم کلی آن شامل همه شریعت‌ها می‌شود (فارسی، ۱۷۴)
ساحت عمده و عمل است.اما اما شريعتي ات شريعت و راد روشن قرار دادم. و شريعت هي ينين شريعت هي ينين را ات تن مي كنده.زيرا شرايع دردرايذين ی دستورات جنی و فروع متناسب با اباع طبيعي و مادي آدمي و خصوصيات فردی و قومی افراد و متاسفبا مواقفه زمانی و مكانی می باشند که قابل تغيير هستند.

(جواب دی‌ام‌آی۱۸۱)

ار این روست که عبیسی محس خاطب به بينی اسرائیل و پیروان موسي مي‌گوري؛ و لكا جا، عیسی، پایندانی قال قد: "گني‌تم به الحمیه و لایین لکم بعض الکه‌مینکه فآینوئی الله و آمی‌ئنوئی (الزخرف،۳۲)" و هنگامی که عبیسی دلایل روشن برای آنها آورده‌گفت: همانا برای شما حکم کردیم و آمده‌ام تا برخی چيزا را که در آن اختلاف می کنید، برایان بیان کنیم، پس از اخذ ترمیم و از این اطاعت کنید.

بنابراین آگر پیام اسلام، آخرين پیام الهی است (الاحزاب،۴۳)، طبیعتا شریعت نیز آخرین شریعت است. زیرا فقط این رسول است که می توانند شریعت بیاورند و با آمدن پیام اسلام رسالت به اتمام رسیده است. و اگر قول نکنیم که شریعت آخرین پیام الهی، آخرین شریعت است، پس باید بهم به آن گرودن جرا کا با آمدن آخرین شریعت، شرایط قلیل-و-نه حقیقت دین-نخ می‌شوند. و اگر نسخ نشووند؛ آمدن شریعت بعدی بی فاقده و لغو خواهد بود. موده این گفتار حديث ذل است که از رسول خدا جنین رواج شده است: "آن الله عز و جل جعل کتاب محیمین که در الانياب الناصح لها": خداي عز و جل کتاب مرا حاکم و مسلم به كتب اوبيه و نايش آنها قرار داده است (المجلی،۹/۲۹۲).

افزون بر آن با توجه به تحريف هایی که در کتاب های ادیان گذشته رخ داده است، عقل نیز حکم می کند که بايد به دین جديد روي آورد.

۶- دین كامل خواسگاه همه ی انبیاء

چنانکه پیش نب تبر نیازه رفت، همه ی انبیاء الهی بهتر دهدن به دین خاتم بوده اند. دینی که ابلاغ آن بالانترین وظیفه ی رسول خدا معرفی شده است؛ که عدم ابلاغ آن، عدم ابلاغ رسالت را به همه خواهد آورد و تمام زحمات و نامنایماتی را رسول خدا در طی دوران نبوت متحمل گشته است را ای ثمر خواهد گذاشته و، ای ایها، رسول! بگو: مان اولئک از ریکه و، اینک که در شریعت سکنی می کنند و برای ابلاغ آن، باید تخبرگفت؛ خوشخی را به کار بیارم،" اباب تمام وظایفی که در طی بیست و اندى سال انجام داده، تنها برایی می کند. بله، چه با از آن و بیا در نیز می باشد. بذین خاطر است که خداي متعل حیاط به حضرت ختی مربیت می فرماید؛ فل‌یک‌ن‌اً‌عئطی‌که‌ب‌واحده (سماه:۴۶)‌بگو:‌فقط‌شا‌را‌یک‌اندروی‌می‌دهم.‌و‌آن‌بند‌ون‌اندروی‌پذیرش‌ویلا‌مطلب‌ه‌امی‌امیر‌مومنن‌و‌امه‌ه‌هم‌ی‌هیدی‌می‌باشد‌که‌دین‌ی‌ب‌مدید‌پذیرش‌ویلا‌آنها‌ی‌به‌کمال‌خواهد‌رسید (قمی:۲۰۵/۲)

۱- شریعت و شریعت در کلام عرب عبارت از محلی است که انسان و چهار یا بایر بهره مندی و سیراپشن این بوده که آن و رود پیدا کرد و در واقع شریعت انبیاء نیز

۲- جمعه: قائقل و دستوراتی است که باید مورد توجه و خواصگاهی انسانها در بهره مندی از آن قرار گیرد. (ین منظره،۱۷۵)

۳- (فاکن مع العصر روا ان مع العصر روا فاذا فرغت فاصب و الی ریکه قابض) یا، فاذا فرغت من نبوکه فاصب علیا و نصیبا (الحرانی،۸/۳۵)
البته قرآن کریم در برخی از آیات دیگر نیز مردم را به پذیرش امر خطری و یا اکثر فرا خوانده است؛ این‌ها از آیات بی‌نهایتی هی‌اِل قَوْمُ (الاسراء، ۹): (۹) بی‌تردید این قرآن را [راهی استوارتر فرا می‌خواند،] و آن را پاینده و استوار تر را اولاً خدا و پیر و از ایشان است. (حسینی، ۱۳۸۱/۲۷۹)

در آن‌جا در روایت ذیل و در تفسیر آیه ی چهل و پنج از سوره ی زخرف آمده است، نشان از آن دارد که پذیرش و ایمان اهل بیت و اعتراف به آن در کنار افراد به توحید و نبود رسول خدایش مشترک دعوت همه ی انباه را تشکیل داده است، و نیز در تمام کتب انباه سلف پس از توحید و اقرار به نبود حضرت خانم بی‌پذیرش واین اوصای بر حق ایشان، پیش از هر چیز دیگر تا کیک شده است. (حسینی، ۱۳۸۱/۲۷۹ و ۳۳۴)

در آیه ی چهل و پنج از سوره ی زخرف چنین می‌خوانیم: او از رسولان ما که پیش از تو فرستادم بپرس که آیا به جز خدای رحمن خدا، خدای بی‌پذیرش دیگری را که عبادت شوند، قرار داده ایم، البته این آیه که یا طرح یک سوال آغاز شده است، در طبن خود سوال دیگری را به ذهن تداعی‌می کند و آن این است که این پرسش و پاسخ میان رسول خدا و انباه سلف در خود نیست و چگونه انجام پذیرفت؟ آنچه گفته است آن است که قرآن در پاسخ به این سوال سکوت اختیار کرده است و مارا بر اساس شریف یافت. فاسادها از خداوند کته می‌گردد که ائمه علامت امام خدای رحمن شایسته عبادت باشند. اعلام کرده اند که عبادت ویژه ی خدای رحمن است و خطاب به پیامبر خاتم چنین عرض داشته اند: رسل رحمت بدین ما طلایه ای انباه جملگی با اعتراف به توحید و اقرار به نبود تر و پذیرش ولایت اوصای تو مبوعد گشته ایم. (حسینی، ۱۳۸۴/۲)

بنابراین آنچه از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود آن است که آیه‌ای بشر و فرجام تمام ایمان اسما، بی‌پذیرش یک دین و jakie خواهان انجامی‌ها همان دینی که به عنوان اسلام در آیه‌ای اکمال‌الدین (الامامه، ۳) معرفی و توسط پیامبر به جهان‌آیان ابلاغ شد.

همان دینی که خدای متعلق جزء به پذیرش آن بی‌پذیرش رضایت نخواهد داد (العمار، ۸۵) و همان دینی که با آمدن منجی، حلاویت و شیرینی آن خانه به ذات قدرم خوش خواهان آمد که به هیچ جبر و اکراهي فوجب فور به آن خواهند گرفت، (النثر، ۱ و ۲)

و زمانی که حکم آیه ی شریف یٰ هوّ‌الذّی اَرْسَلَ رُسُولَنَّ عِلیّاً وَ دِينَ الَّذِی الْحَقَّ لِیَظَهَرُ عَلیَّ الْحَمِّیئِنَّ کُلَّ مَنْ نَكَّرَ کُرْهَةَ الْمُشْرِکُونَ (الصف، ۹) را فراه خواده کرد. و این است پیامخ خواده خانه که هندسه ی عالم و به تدبیر الیه از ابتداء نا به فرجام، بر پایه آن بنیان گذاشته شده است.
فلسفه ی وجودی بعنوان یک هدف واحد و ارسال رسول در مقاطع مختلف تاریخ، تحقق یک هدف واحده بوده است. هر چند شریعت آن ها با یکدیگر متفاوت بوده، اما اصول کلی دعوت انبیاء که مخاطبین خود را به یکتا پرستی و پذیرش روز وایسین فراوانه‌ی اند، بیشتر نبوده است.

این هدف واحده به واقع استقرار دین حق و جهانی شدن اسلام می‌باشد. هر چند این دین در غذیر خم و از زبان رسول خدا و به نبایت از همه انبیاء به‌مردم شناسانده شد و به یک حقوق دین به کمال رسیده؛ اما برای پذیرش آن در سطح کلان فراهم نگردید و ادب و ادبیات از زبانی ی بشر به گونه‌ای شناخته شرود که آن دین حق که همان اسلام است مرزهای زمان و مکان را در خواهد نوردید و به دست مصلح آسمانی جهانی خواهد شد.
منابع و مآخذ

1- قرآن کریم
2- ابن باوری، ابو جعفر محمدر بن علی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه ی مصوص بهلهان، چاب سوم، سازمان چاب و نشر دارالحدیث، 1387 ه.ش.
3- ابن عربی، محمد ابن ترجمان الاهوازی، بروت: 1381 ه.ق.
4- همسرستان، بحری ادیک، 1361 ه.ق.
5- هموفصوص الحکم، تصحیح ابو العلاء عفیفی، بروت: 1365 ه.ق.
6- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بروت: لبنان، تا 7- پیرانی، سید هاشم، الیهنا فی تفسیر القرآن، مؤسسه ی دار المجتهد، قم، 1428 ه.ق، 2007 م
8- جوادی آملی، عبدالله، تری شیعت در آینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1372 ه.ش.
9- حسین زاده، محمد، بیانی معرفت دینی، مؤسسه ی امام خمینی، قم: 1385 ه.ش.
10- حسینی استرآبادی نجفی، سید هرین، تأویل انیات الظاهره، فضائل العصر الظاهره، مدرسه الامام المهدي، قم: 1365 ه.ق، 1387 ه.ش.
11- خسرو پناه، عبدالحسین، گل کلام جدید، مرکز مطالعات حوزه، قم: 1381 ه.ق، ش.
12- ریانی، گلی‌کاپ، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، اندیشه معاصر، تهران: 1376 ه.ش.
13- رویین، بیل، میکرو، کتاب برای همه، پایگاه اتاق چاب.
14- شریف ناهیجی، بی.بدایین محمد شیخ، تفسیر شریف لاهیجی، مؤسسه ی مطبوعاتی اسلامی، تهران: 1363 ه.ش.
15- طباطبائی، سید محسن حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه ی علمی، بروت: لبنان، 1314 ه.ق، 1991 م
16- طبرسی، احمد بن علی بن ابو طلاب، احتجاج، ترجمه ی بهراد جعفری، دارالکتب الاسلامی، تهران: 1381 ه.ش.
17- عاملی، ابوالحسن ابن محمد طاهر، مراثالاور و مشکای الامیر، مؤسسه ی دار المجتهد، مطبوعات، قم: 1428 ه.ق، 2007 م
18- عزیزی، علی، ماهنامه آگهاب، سال دوم، شماره 10، آذر 85
19- قمی، ابوالحسن علی بن ابو ابراهیم، تفسیری، تصحیح سید طبیب موسوی جنگری، دارالسرو، بروت: لبنان، 1411 ه.ق، 1991 م
20- قوافی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامی، 1355 ه.ش.
21- کلیی، ابو جعفر محمد بن رقوق، الاصول من الكافی، قم: دار الحدیث، 1360 ه.ق، 1388 ه.ش.
22- ملکی، محمد باقر، بحر الادوار الجامع، لدوره اخبار ائمه الاطهار، مؤسسه ی الوقا، بروت: لبنان، 1400 ه.ق، 1983 م
23- مطهری، مریم، عدل الهی، انتشارات صدر: 1372 ه.ش.
24- نوریان، سید محمود، پلورالیزم، اندیشه ی معاصر، تهران: 1381 ه.ش.